

Rare earth element study on scheelites from tungsten deposits in southwest of Astaneh, Arak, Iran

M. Ghaderi¹, Z. Fardindoost¹, J. Herrin²

1- Department of Geology, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

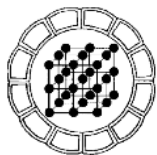
2- Faculty of Geosciences, Utrecht University, Utrecht, The Netherlands

E-mail: mghaderi@modares.ac.ir

(Received: 1/6/2004, received in revised form: 15/1/2005)

Abstract: Two types of tungsten mineralization have been recognized in southwest of Astaneh: 1. Stratabound type at Bamsar with calcareous schists and siliceous tuffs as host rocks, 2. Quartz-tourmaline vein type at Nezamabad, Revesht and Fizaneh hosted in quartzdiorite-granodiorite intrusions. Scheelite is the main tungsten ore mineral in both types. Generally, two distinct REE_N patterns are observed in the scheelites from the region: Nezamabad, Revesht and Fizaneh patterns have a convex feature varying from Eu-free to highly negative Eu anomaly, having high Na and ΣREE contents. The samples are enriched in HREE. Bamsar type REE_N pattern has lower ΣREE and Na, a relatively flat feature and small to large positive Eu anomalies. The samples are enriched in LREE. According to the REE trends, presence of high-temperature minerals, exsolution textures, presence of organic and graphitic parts, the two types of mineralization share a high temperature and reducing environment, but some differences lie in REE controlling processes. Surface absorption at Bamsar and mixing of complexes mechanism at Nezamabad, Revesht and Fizaneh control the REE patterns. Therefore, it can be concluded that the origin of REE in scheelites in the mineralized areas of Bamsar, Nezamabad, Revesht and Fizaneh share the same source and the differences in ΣREE result from the influence of host rocks in the areas with vein-type mineralization.

Keywords: *Rare earth elements, Scheelite, Stratabound, Quartz-tourmaline vein, Arak, Iran.*



مطالعه عناصر خاکی نادر در شئلیت‌های ذخایر تنگستن جنوب غرب آستانه اراک

مجید قادری^۱، زهره فردین دوست^۱، جیسون هراین^۲

۱- بخش زمین‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشکده علوم زمین دانشگاه اوتراخت، اوتراخت، هلند

پست الکترونیکی: mghaderi@modares.ac.ir

(دریافت مقاله ۸۳/۳/۱۱، دریافت نسخه نهایی ۸۳/۱۰/۲۵)

چکیده: دو نوع کانه‌زایی تنگستن در جنوب غرب آستانه اراک شناسایی شده است: ۱- نوع استراتاباند در بامسر با سنگ میزبان کالک‌شیت و توف سیلیسی، ۲- نوع با رگه کوارتز- تورمالین در نظام‌آباد، روش و فیزانه با سنگ میزبان کوارتز دیوریت- گرانودیوریت که در هر دو نوع شئلیت کانه اصلی تنگستن است. به طور کلی دو نوع REE_N در شئلیت‌های ناحیه دیده می‌شوند: نوع نظام‌آباد، روش و فیزانه که شکل خمیده داشته و از بدون آنومالی Eu تا دارای آنومالی به شدت منفی Eu تغییر می‌کنند و Na و ΣREE بالایی دارند. این نمونه‌ها از HREE غنی شده‌اند. نوع REE_N بامسر دارای Na و ΣREE پائین‌تر، با شکل مسطح‌تر و آنومالی مثبت کوچک تا بزرگ Eu است. نمونه‌های شئلیت بامسر از LREE غنی شده‌اند. وجود کانیهای با دمای بالا، بافت‌های ناآمیخته و نیز مواد آلی و بخش‌های گرافیتی در REE، موجب شده‌اند تا کانه‌زایی هر دو نوع در محیط احیا و دمای بالا رخ دهد ولی تفاوت‌هایی از نظر فرایندهای کنترل‌کننده REE‌ها دارند. در بامسر جذب سطحی و در نظام‌آباد، روش و فیزانه سازوکار اختلاط کمپلکس‌ها، کنترل‌کننده REE‌ها هستند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که خاستگاه REE شئلیت‌ها و در نتیجه خاستگاه تنگستن، در مناطق کانی‌سازی شده بامسر، نظام‌آباد، روش و فیزانه یکسان بوده و اختلافات موجود در ΣREE ناشی از تأثیر سنگهای میزبان مناطق کانه‌سازی نوع رگه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: عناصر نادر خاکی، شئلیت، استراتاباند، رگه کوارتز-تورمالین، اراک.

مقدمه

در جنوب غرب آستانه اراک مناطقی وجود دارند که از دو نوع کانه‌زایی تنگستن با پتانسیل بالا تشکیل شده‌اند و در گستره جغرافیایی $۴۹^{\circ} ۰۷'$ الی $۴۹^{\circ} ۱۷'$ طول شرقی و $۳۳^{\circ} ۳۹'$ تا $۳۳^{\circ} ۴۳'$ عرض شمالی قرار گرفته‌اند. نوع استراتاباند در منطقه بامسر و نوع رگه‌ای در مناطق نظام‌آباد، روش و فیزانه.

منطقه بامسر در ۳۵ کیلومتری جنوب غرب آستانه اراک واقع شده، منطقه روش در ۳ کیلومتری شمال شرق بامسر و مناطق فیزانه و نظام‌آباد نیز به ترتیب در ۷ و ۸ کیلومتری شرق بامسر قرار دارند. شلیت کانی اصلی تنگستن در هر دو نوع است.

به منظور بررسی ارتباط کانی‌سازی در این دو نوع، بررسی‌هایی روی عناصر خاکی نادر شلیت‌های مناطق کانه‌زایی صورت گرفت که مقاله حاضر نتایج به دست آمده از آن بررسی‌هاست.

زمین‌شناسی ناحیه مورد مطالعه

ناحیه مورد بررسی در زون سنندج- سیرجان و زیرزون با دگرشکلی پیچیده [۱ و ۲] قرار دارد. قدیمی‌ترین سنگ‌های ناحیه، مربوط به پالئوزوئیک بوده که بین مالمیر و توان‌دشت در جنوب غرب ناحیه رخنمون شده‌اند. سنگ‌های پالئوزوئیک بیشتر از متاریولیت و متامفیبول همراه با دولومیت (مرمری شده) تشکیل شده‌اند که با واحد آتشفشانی- رسوبی پرموتریاس به صورت هم‌شیب و پیوسته پوشیده می‌شوند. واحد نامبرده از آهک و دولومیت‌های کریستالین چرت‌دار با درون‌لایه‌هایی از شیست‌های سبز تشکیل شده که در بخش‌های پایین دارای ضخامت قابل ملاحظه‌ای از ماسه‌سنگ‌های کوارتزیته ناخالص دگرگون شده با درون‌لایه‌هایی از سرسیت‌شیست، دولومیت کریستالین و آهک چرت‌دار کریستالین است. بخش‌های فوزولینیدار (آهک‌های چرت‌دار کریستالین) واحد آتشفشانی- رسوبی به پرمین و بخش‌های بالای آن که دارای فسیل پنتاکرینوس است به پرمین-تریاس نسبت داده می‌شود [۳]. واحدهای تریاس بیشتر در جنوب غرب منطقه با سه رخساره متفاوت قابل تشخیص‌اند: ۱- متاولکانیک‌ها و توف‌ها که ترکیب آندزیتی داشته، عموماً تیره‌رنگ و تا حدودی کربناته بوده و تا حد رخساره شیست‌سبز دگرگون شده‌اند. ۲- رخساره آتشفشانی- رسوبی و ۳- مرمر که در بعضی نواحی، سنگ‌آهک کریستاله سفید تا خاکستری کمی دولومیتی شده رخنمون دارد [۴]. بالاترین بخش از ردیف دگرگونی را شیست‌های پلیتی که دارای درون‌لایه‌هایی از ماسه‌سنگ‌های گریوکی دگرگون شده هستند، تشکیل می‌دهند و میزان این درون‌لایه‌ها به سمت بالای این واحد افزایش می‌یابد. واحد نامبرده در ناحیه لکان، در محل آبادی تخمار (شمال شرق ناحیه) با نهشته‌های آهکی دگرگون شده آلیتی حاوی آمونیت و بلمنیت، پوشیده می‌شود. آمونیت‌ها در این نهشته‌ها (که

شباهت به سازند بادامو داشته و تحت تأثیر دگرگونی ناحیه‌ای قرار گرفته‌اند) دارای سن Toarcian بوده [۵] و بیانگر این حقیقت هستند که سن شیستهای همدان، تریاس بالایی- ژوراسیک زیرین است. ردیف سنگهای دگرگونی مذکور که سن آن از پرمین تا ژوراسیک است، در اطراف شهرستان شازند به‌طور ناپیوسته و پیشرونده با نهشته‌های کرتاسه پوشیده می‌شود [۳]. کلیه توده‌ها در اثر دگرگونی ناحیه‌ای در حد رخساره شیست‌سبز دگرگون شده‌اند. در اثر نفوذ توده‌های نظام‌آباد- مالمیر (کمپلکس بروجرد) در این مجموعه دگرگون شده، علاوه بر ایجاد هاله دگرگونی مجاورتی، گرمای ناشی از نفوذ این توده‌ها، درجه دگرگونی را تا حد رخساره آمفیبولیت زیرین توسعه داده است (شکل ۱) [۶]. این توده‌ها از نظر سنگ‌شناسی، به سه بخش گرانیته، گرانودیوریتی و کوارتزدیوریتی تقسیم می‌شوند. توده‌های کوارتزدیوریتی معمولاً در مجاورت سنگهای دگرگونی ژوراسیک قرار داشته و ریخت‌شناسی همواری را پدید می‌آورند. به شمت عمق توده، مقدار سیلیس افزایش یافته و کوارتزدیوریت به تونالیت نزدیکتر می‌شود [۷]. مقاطع میکروسکوپی این توده نشان می‌دهد این سنگها دارای پلاژیوکلاز تا حدی سریسیتی شده، کوارتز، بیوتیت فراوان حاوی انکلوزیونهای آپاتیت و زیرکن، آمفیبول‌های کلریتی شده و اسفن هستند. تبدیل کوارتزدیوریت به گرانودیوریت مرز مشخصی ندارد. مقدار بیوتیت به سمت گرانودیوریتها، کمتر و رنگ آن روشن‌تر می‌شود [۷]. این توده‌ها حاوی کوارتز، پلاژیوکلاز سریسیتی شده، فلدسپات آلکالن، بیوتیت و آمفیبول بوده و توپوگرافی خشنی دارند و اکثر ارتفاعات بلند منطقه را تشکیل می‌دهند. رنگ توده‌های گرانیته روشن‌تر از توده‌های گرانودیوریتی بوده و توپوگرافی پست‌تری نسبت به گرانودیوریت‌ها دارند. فشارهای ناشی از نیروهای زمین‌ساختی باعث سم‌تگیری بلورهای این سنگها (که شامل کوارتز، آلکالی‌فلدسپار، پلاژیوکلاز و بیوتیت هستند) شده است.

در معدن بامسر با نوع استراتاباند که در اثر دگرگونی ناحیه‌ای به اسکارن ناحیه‌ای تبدیل شده است، شش افق کانهدار شناسایی شده‌اند [۸]. سنگهای میزبان عمدتاً کالک‌شیست و توف سیلیسی هستند که کانهازایی به صورت لایه‌ای یا رگه‌ای بوده و این رگه‌ها درون عدسی‌های همخوان با لایه‌بندی تشکیل و محدود شده‌اند. پاراژنز ماده معدنی عبارتند از شئلیت، کالکوپیریت، آرسنوپیریت، اسفالریت، پیریت و کاسیتريت. افق‌های کانهدار در منطقه بامسر به ضخامت ۳ تا ۴ متر، در حدود ۳ کیلومتر امتداد دارند. عیار تنگستن در ترانشه‌ها و تونل حفر شده در بامسر تا ۱۱۰۰ ppm گزارش شده و این عیار در طول یک کیلومتر گسترش سطحی زون مینرالیزه، قابل توجه نیست [۹].

در مناطق نظام‌آباد، روست و فیزانه، توده‌های نفوذی اسیدی نظام‌آباد-مالمیر (بخش جنوب‌شرقی کمپلکس بروجرد) سنگهای دگرگونی تریاس- ژوراسیک را قطع کرده‌اند. در مناطق نظام‌آباد و روست، توده کوارتزدیوریتی- تونالیتی و در منطقه فیزانه، توده گرانودیوریتی سنگ میزبان رگه‌های کوارتز- تورمالین حاوی کانهدار است. امتداد این رگه‌ها عمدتاً

نوع Ar-F excimer ۱۹۳ nm با بسامد ۱۰ هرتز بوده و تجزیه‌ها در حالت شمارش ضربانی و با زمانهای آنالیز یک دقیقه‌ای مطابق لانگریچ و همکاران [۱۰] صورت گرفت. ^{44}Ca به عنوان استاندارد داخلی برحسب ماده مرجع سیلیکاته NIST 612 و نیز استاندارد شیشه BCR-2G سازمان زمین‌شناسی امریکا برای تضمین درستی تجزیه‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. سیگنال متوسط به دست آمده برای تمام اندازه‌گیریهای انجام شده بالاتر از حد تعیین شده انحراف معیار اندازه‌گیریهای زمینه (حدود ۱۰ برابر) بوده است و نیز مشخص شد که مقادیر اندازه‌گیری شده برای تمامی عناصر حداکثر ۱۰٪ با مقادیر پذیرفته شده تفاوت دارد. همچنین، با استفاده از دستگاه ریزگمانه‌الکترونی (EPMA) معلوم شد که تمامی نمونه‌های آنالیز شده شلثیت، حاوی ۱۹/۴ درصد CaO و ۸۰/۶ درصد WO_3 با مقادیر بسیار اندک منیزیم، منگنز و آهن (نشانه‌گر مقدار کم ولفرامیت) و نیز مقادیر بسیار کم مولیبدن (حاکی از مقدار کم پوولیت) هستند. برای بررسی احتمال وجود ناخالصی، مقادیر SiO_2 و Al_2O_3 شلثیت‌ها نیز مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند که در تمامی نمونه‌ها، دارای مقادیر نزدیک یا پایین‌تر از حد تشخیص دستگاه بودند.

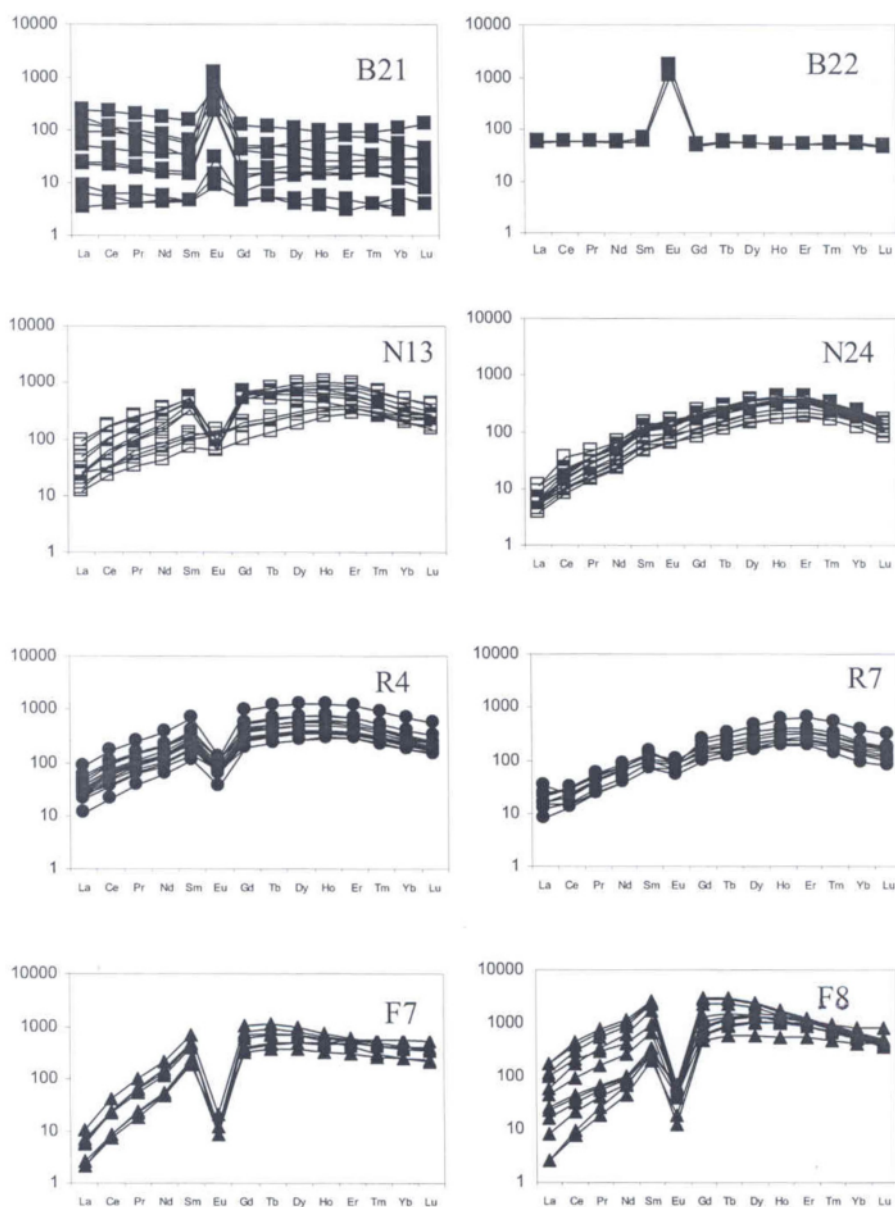
نتایج

الگوهای REE_N حاصل از آنالیز LA-ICP-MS برخی از نمونه‌های شلثیت مورد مطالعه در مناطق بامسر، نظام‌آباد، روش و فیزانه در شکل ۲ ارائه شده‌اند. مقادیر کندریتی مورد استفاده برای هنجارش REE براساس [۱۱] در نظر گرفته شدند.

با توجه به شکل ۲، به‌طور کلی دو نوع الگوی REE_N در شلثیت‌ها دیده می‌شوند: یک نوع الگوی REE_N نمونه‌های شلثیت نظام‌آباد، روش و فیزانه و نوع دیگر الگوی REE_N نمونه‌های شلثیت بامسر.

الگوهای نمونه‌های نظام‌آباد، روش و فیزانه از الگوهای فاقد آنومالی تا دارای آنومالی شدید منفی Eu ، $(\text{Eu}/\text{Eu}^* = 0.01 - 0.07, \text{Eu}^* = (\text{SmN} \times \text{GdN})^{0.5})$ تغییر می‌کند و ΣREE بالایی دارند. این نمونه‌ها از HREE غنی شده‌اند (نسبت $\text{Ce}/\text{Lu} = 0.09 - 0.94$). با چشم‌پوشی از آنومالی Eu ، این الگوها شکل خمیده (محدب) دارند. الگوهای REE_N نمونه‌های شلثیت نظام‌آباد، روش و فیزانه را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. نمونه‌های فیزانه دارای منفی‌ترین آنومالی Eu و ΣREE بالاتری بوده و حداکثر تحدب الگوی آنها در Gd است، در حالی که نمونه‌های نظام‌آباد و روش چنانکه از الگوی REE_N و نمودارها پیداست، دارای گستره مشابهی از ΣREE و آنومالی‌های Eu بوده و حداکثر تحدب الگوی REE_N آنها به سمت Er و Ho تمایل دارد.

الگوهای REE_N نوع بامسر دارای ΣREE پائین‌تر، شکل مسطح‌تر و آنومالی مثبت کوچک تا بزرگ Eu ($\text{Eu}/\text{Eu}^* = 0.1 - 2.7$) هستند. این نمونه‌ها از LREE (نسبت $\text{Ce}/\text{Lu} = 0.19 - 5.73$) غنی شده‌اند.

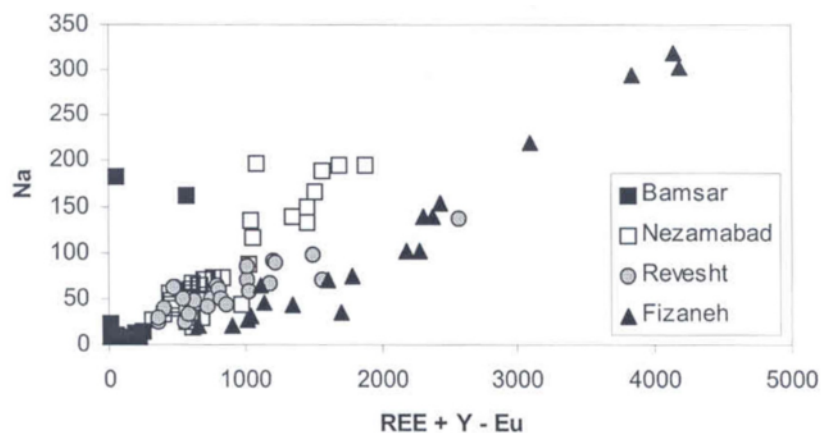


شکل ۲ الگوهای نرمالایز شده کندریتی REE تعدادی از نمونه‌های شلیت مناطق کانی‌سازی شده (B = بامسر، N = نظام‌آباد، R = روش، F = فیزانه). مقادیر کندریتی بر اساس [۱۱] می‌باشند.

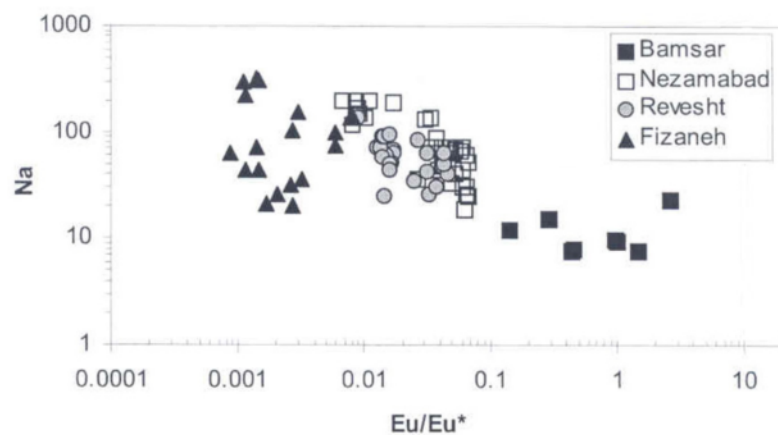
بحث و بررسی

به نظر قادری و همکاران [۱۲] زمانی که Eu فقط به صورت Eu^{2+} در شاره حضور دارد، اگر میزان Na در شلیت کم باشد، تمرکز REE^{3+} (شامل Sm و Gd) نیز کم است، در نتیجه

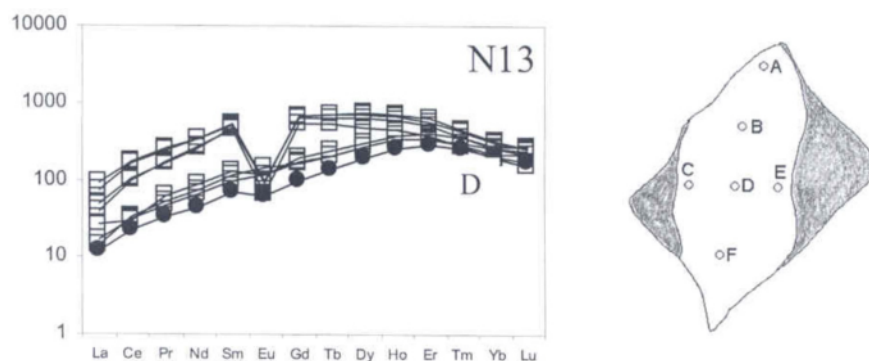
شثلیت دارای آنومالی مثبت Eu است. در صورتی که مقدار Na در شثلیت افزایش یابد، تمرکز Sm و Gd افزایش خواهد یافت، اما هیچ تغییری در تمرکز Eu وجود نخواهد داشت. بنابراین اندازه آنومالی Eu کاهش می‌یابد. نمودارهای سدیم در مقابل ΣREE و Eu/Eu^* (شکل‌های ۳ و ۴) نشان می‌دهد که با افزایش سدیم، تمرکز ΣREE^{3+} (شامل Sm و Gd) نیز افزایش یافته و باعث افزایش آنومالی منفی Eu می‌شود. این مطلب در ابعاد یک دانه شثلیت هم قابل مشاهده است، به‌طوری‌که تغییرات سدیم در زمان رشد بلور، باعث تغییرات ΣREE و مقدار آنومالی Eu شده است (شکل ۵).



شکل ۳ تغییرات سدیم در مقابل ΣREE نمونه‌های شثلیت بخش‌های کانی‌سازی شده منطقه مورد مطالعه.



شکل ۴ تغییرات سدیم در مقابل آنومالی Eu نمونه‌های شثلیت بخش‌های کانی‌سازی شده منطقه مورد مطالعه.



شکل ۵ تأثیر تغییرات فراوانی سدیم بر ΣREE و مقدار آنومالی Eu. در این بلور مقدار سدیم از مرکز (D) به اطراف زیاد می‌شود و همراه این افزایش، میزان ΣREE و آنومالی Eu افزایش می‌یابد.

الگوهای REE_N نمونه‌های شئلیت بامسر که آنومالی مثبت Eu نشان می‌دهند، دارای کمترین مقدار میانگین سدیم، ΣREE ، Sm و Gd هستند که بر اساس آنچه در بالا ذکر شد، این مقادیر شواهدی از حضور Eu به صورت دو ظرفیتی است. بررسی شاره‌های درگیر توسط عزیزپور مغوان [۸] در کوارتز، گارنت و کلینوزوئیزیت لایه‌ها و رگه‌های گارنت‌دار درشت‌بلور و اسکارنی در اثر معدنی بامسر، نشان داد که تنها یک نوع شاره حاوی CO_2 بالا موجب کانه‌زایی شده و دمای همگن شدن شاره‌های درگیر اولیه بین 350°C تا 400°C و درجه شوری ۱۲ تا ۲۰٪ وزنی معادل NaCl است. حضور بافتهای ناآمیخته و کانی‌های با دمای بالا مؤید این دما هستند. همچنین در این منطقه حضور شیست‌های کربن‌دار سبب ایجاد محیط احیا شده است. در دماهای بیش از 250°C و یا در محیط‌های احیا، Eu به صورت دو ظرفیتی حضور دارد [۱۳]. در نتیجه در این منطقه Eu باید دو ظرفیتی باشد که آنومالی مثبت آن و شرایط موجود در منطقه (دمای بالای تشکیل کانه و محیط احیا) این نکته را تأیید می‌کند.

به نظر شمعیان اصفهانی [۱۴] در نظام‌آباد با وجود وفور کانه آرسنوپیریت که بیانگر حضور آهن در محیط است، کانه‌زایی و لفرامیت رخ نداده است که از دلایل آن فوگاسیته پایین اکسیژن است، زیرا و لفرامیت در فوگاسیته‌های بالای اکسیژن تشکیل می‌شود. در نتیجه در منطقه نظام‌آباد به دلیل پایین بودن فوگاسیته اکسیژن، شئلیت تشکیل شده است. همچنین شئلیت از محلول‌های با اسیدیته پایین و محتوی کلسیم بالا تشکیل می‌شود، در صورتی که نهشت و لفرامیت نیاز به اسیدیته بالاتری دارد. وجود بخشها و لایه‌های گرافیتی در ناحیه، مؤید فوگاسیته پایین اکسیژن است. عدم تشکیل پوولیت به همراه شئلیت در نمونه‌های شئلیت مناطق کانه‌سازی شده منطقه مورد مطالعه که رنگ سفید شیری و فلوئورسانی بنفش‌رنگ آنها این مسئله را تأیید می‌کند، دلیل دیگری بر پایین بودن فوگاسیته اکسیژن است، زیرا شئلیت فاقد مولیبدن، شاخص محیط‌های دارای فوگاسیته کم اکسیژن است [۱۵].

بر اساس مطالعات انجام شده توسط فرهادیان [۷]، شرایط حاکم بر محیط کانی‌سازی، دما و فشار بالا بوده و کانسار از نوع هیپوترمال با خاستگاه درون‌زادی است. از میان شواهد کانی‌سازی در دماهای بالا در این مناطق می‌توان به مواردی از جمله پدیدهٔ محلول جامد و ناآمیخته در پیرویت، اسفالریت و کالکوپیریت، حضور اسفالریت با قدرت بازتاب پایین و بازتاب داخلی سرخ رنگ، وجود کانی‌های مؤید دمای بالا نظیر کاسیتیریت و شئلیت و نیز حضور بیسموت طبیعی درون بیسموتینیت که دمایی در حدود 250°C را تأیید می‌کند، اشاره کرد [۷].

تشابه روند REE در سه منطقهٔ نظام‌آباد، روشت و فیزانه با توجه به کانی‌شناسی و تشابه این مناطق، نشان‌دهندهٔ یکسان بودن خاستگاه و شرایط تشکیل و تمرکز کانه در این سه منطقه است. یکی از دلایل بالاتر بودن ΣREE و سدیک‌تر بودن منطقهٔ فیزانه نسبت به نظام‌آباد و روشت، ترکیب گرانودیوریتی سنگ میزبان رگه‌های کوارتز-تورمالین در این منطقه است، زیرا گرانودیوریت نسبت به کوارتزدیوریت اسیدی‌تر و تفریق‌یافته‌تر بوده و به دلیل ناسازگاری عناصر نادر در شاره تجمع یافته و در فازهای انتهایی تفریق، تمرکزشان افزایش می‌یابد [۱۶].

شواهد ارائه‌شده دلالت بر آن دارد که دمای کانه‌زایی و شرایط محیط تشکیل در هر دو نوع کانه‌زایی استراتاباند و رگه‌ای یکسان است، اما الگوهای REE_N این دو نوع مشابه نیست که اختلاف الگوها مربوط به فرایندهای کنترل‌کننده REE‌هاست، زیرا به نظر باو [۱۷]، اگر الگوی شارهٔ REE در تماس با سنگی که دارای الگوی REE کندریتی است، با فرایند جذب سطحی کنترل شود، کاهش شعاع یونی REE سه ظرفیتی به سمت $(\text{La/Lu})_{\text{cn}} > 1$ می‌رود. اما اگر این الگو توسط سازوکار اختلاط (کمپلکس‌های پایدار هیدروکسید، فلورید و یا کربنات) کنترل شود، این کاهش شعاع یونی موجب $(\text{La/Lu})_{\text{cn}} < 1$ می‌شود. در شرایط کاملاً احیا (Eu) به صورت Eu^{2+} ، الگوی REE شارهٔ تشکیل‌دهنده باید آنومالی مثبت نشان دهد، در حالی که در سازوکار اختلاط کمپلکس‌ها، این الگو به دلیل شعاع یونی افزایش‌یافتهٔ یون Eu^{2+} باید آنومالی منفی نشان دهد. از این مطالب، شاید بتوان نتیجه گرفت که خاستگاه REE در هر چهار منطقه کانه‌زایی یکسان است. از آنجا که در مناطق کانه‌زایی نوع رگه‌ای، بخشی از شاره‌ها را آبهای جوی تشکیل می‌دهند [۱۴]، شرایط محیطی مانند سنگ میزبان این مناطق روی میزان ΣREE تأثیر گذاشته‌اند.

بنابر برداشت عزیزپور مغوان [۸] در منطقهٔ بامسر، عناصر فلزی W، Sn، Zn، Cu و غیره از چشمهٔ محلولهای برون‌دمی^۱ به‌وسیلهٔ رس‌ها، مواد آلی و سیلیس کلئیدال در حال رسوبگذاری (شیل‌های پلیتی حاوی مواد آلی و توف‌های اسیدی) جذب شده‌اند. در طول دیاژنز اولیه تا

1- Exhalative

پسین، عناصر فلزی از رس‌ها، سیلیس کلئیدال و مواد آلی خارج و به صورت ترکیبات محلول وارد آبهای شور درون لایه‌ای شده و در نهایت در مرز لایه‌های آهکی رس‌دار با شیل‌ها و توف‌های سیلیسی، به دلیل چرخش محلول شور کانه‌دار در این مرزها و نیز افزایش غلظت عناصر با خروج آنها از شیل‌ها، متمرکز شده‌اند (یعنی سنگ خاستگاه اولیه تنگستن در آهک‌های رس‌دار، شیل‌ها و توف‌های سیلیسی هستند). سپس در مرحله دگرگونی ناحیه‌ای، دگرشکلی و برخاستن^۲ همزمان، تحرک در اثر انتشار و محلول‌های گرمابی، موجب تحرک و تبلور مجدد کانی‌های فلزی شده، به‌طوریکه اندازه این کانی‌ها افزایش یافته و به دهها و حتی صدها میکرون رسیده است.

در کانسار نظام‌آباد و آثار معدنی روشت و فیزانه، کانه‌زایی تنگستن به صورت شئلیت در رگه‌های کوارتز- تورمالین با میزبان کوارتزدیوریتی (نظام‌آباد و روشت) و گرانودیوریتی (فیزانه) رخ داده است. نتایج آنالیز XRF توده‌های گرانیتوئیدی منطقه [۱۸]، حاکی از غنی‌شدن تنگستن (۴۵-۱۵ ppm) در این توده‌ها نسبت به توده‌های گرانیتوئیدی فاقد کانه‌زایی (متوسط ۱/۱ ppm) [۱۹] است. علیرغم وجود آنومالی تنگستن، مطالعات میکروسکوپی و بررسی با لامپ ماوراء بنفش، نشان از عدم حضور کانه شئلیت در این توده‌ها دارد. همچنین، به سمت فازهای انتهایی (آپلیت‌ها و پگماتیت‌ها) مقدار تنگستن کاهش می‌یابد (۸-۳ ppm). در توده‌های گرانیتی- گرانودیوریتی، کانه‌زایی رخ نداده و رگه‌های کوارتز- تورمالین کانه‌دار منحصراً به کوارتزدیوریت‌ها و گرانودیوریت‌هایی که عمدتاً در تماس با واحدهای رسوبی دگرگون‌شده هستند، محدود می‌شوند. علاوه بر این، به سمت رگه‌های معدنی، در سنگ دیواره تورمالین تشکیل می‌شود، در حالی که در سنگهای دگرسان‌نشده، کانی تورمالین وجود ندارد. تشکیل تورمالین در مجاورت رگه‌ها به طور مشخص در ارتباط با حرکت عنصر بور (B) از شارۀ کانه‌زا به سمت سنگ دیواره است که با ایجاد شرایط مناسب، منجر به کانی‌زایی تورمالین شده است. بور یکی از عناصر مهم در انتقال تنگستن در شاره‌های گرمابی است. کانه‌سازی تنگستن در محیط‌های بوردار نشان‌دهنده ارتباط زایشی این دو عنصر است [۲۰]. از مجموعه این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که در خلال تحول ماگمای تونالیتی و کوارتزدیوریتی نظام‌آباد، محلول‌های مسئول در کانه‌زایی، ضمن اختلاط با آبهای جوی مسیر خود [۱۴]، طی گردش در سنگهای کانه‌دار نظیر منطقه بامسر، بور، تنگستن و دیگر عناصر فلزی را شسته و در نتیجه محلول پایانی تحول ماگمایی کوارتزدیوریتی و تونالیتی، از آنها غنی شده است. این محلول‌های داغ ضمن حرکت به سمت بالا و دور شدن از چشمه ماگمایی با کاهش دما و افزایش pH روبرو گشته، به صورت رگه و رگچه‌های گرمابی، کانه‌زایی تنگستن به صورت شئلیت را موجب شده‌اند.

برداشت

دو نوع REE_N در شلیت‌های ذخایر تنگستن جنوبغرب آستانه اراک مشاهده می‌شوند که عبارتند از: ذخایر رگه‌ای نظام‌آباد، روش و فیزانه و نوع دیگر استراتاباند بامسر. نوع اول دارای شکل خمیده (محدب)، ΣREE بالا و فاقد آنومالی تا دارای آنومالی شدید منفی Eu بوده و از HREE غنی شده‌اند. گروه دوم دارای ΣREE پائین‌تر، شکل مسطح‌تر و آنومالی مثبت کوچک تا بزرگ Eu بوده و از LREE غنی شده‌اند.

در هر دو نوع کانه‌زایی، به دلیل حضور کانی‌های با دمای بالا (بیشتر از $250^\circ C$) مانند شلیت و کاسیتريت، و حضور بافت‌های ناآمیخته کانه‌سازی در دمای بالا صورت گرفت و نیز حضور شیست‌های کربن‌دار در منطقه بامسر و بخش‌های گرافیتی در مناطق رگه‌ای حاکی از احیا بودن محیط است. در چنین شرایطی Eu فقط به صورت دوظرفیتی وجود دارد.

علیرغم وجود شرایط یکسان محیطی و دمای کانه‌زایی در هر دو نوع استراتاباند و رگه‌ای، عدم تشابه الگوی REE_N این دو نوع، ناشی از فرآیندهای متفاوت کنترل‌کننده REE است. در بامسر (نوع استراتاباند) به دلیل کنترل REE در اثر فرایند جذب سطحی، الگوی REE دارای آنومالی مثبت Eu بوده و از LREE غنی شده است، اما در مناطق نوع رگه‌ای (نظام‌آباد، روش و فیزانه) چون عامل کنترل‌کننده، مکانیسم اختلاط کمپلکس‌ها می‌باشد، الگوی REE آنومالی منفی Eu نشان داده و از LREE تهی شده است.

بالا بودن میزان REE کل و مقدار سدیم در منطقه فیزانه نسبت به سایر مناطق کانه‌زایی به دلیل حضور سنگ میزبان گرانودیوریتی در این منطقه است، زیرا عناصر نادر ناسازگار بوده و در فازهای انتهایی تفریق که اسیدی‌تر و سدیک‌تر هستند تجمع می‌یابند.

از مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که خاستگاه REE در هر دو نوع کانه‌زایی استراتاباند و رگه‌ای یکسان است. با وجود آنومالی تنگستن در توده‌های گرانیتوئیدی منطقه، مطالعات انجام شده حاکی از آن است که این توده‌ها نمی‌توانند خاستگاه تنگستن باشند.

تشکر و قدردانی

از آقایان دکتر نعمت‌اله رشیدنژاد عمران به خاطر راهنمایی‌های ارزنده در مطالعات REE و دکتر محمدرضا قربانی به دلیل کمک در مطالعات پتروگرافی سپاسگزاری می‌شود.

مراجع

- [۱] محجل م.، سهندی م.ر.، "تکامل تکتونیکی پهنه سنج-سیرجان در نیمه شمال باختری و معرفی زیرپهنه‌های جدید در آن"، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم زمین، سال هشتم، شماره ۳۱-۳۲ (۱۳۷۸) صفحه ۴۹-۲۸.

[2] Mohajjel M., Fergusson C. L., Sahandi M. R., "Cretaceous-Tertiary convergence and continental collision, Sanandaj-Sirjan zone, western Iran", Journal of Asian Earth Sciences 21 (2003) 397- 412.

[۳] رادفر ج.، "بررسی‌های زمین‌شناسی و پترولوژی سنگهای گرانیتوئیدی ناحیه آستانه و گوشه (در محدوده ورقه ۱:۱۰۰۰۰۰ شازند)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم، دانشگاه تهران (۱۳۶۶).

[4] Masoudi F., "Contact metamorphism and pegmatite development in the region SW of Arak", Iran. PhD Thesis, The University of Leeds, UK (1997).

[۵] واعظی پور م. ج.، اقلیمی ب.، "یافته‌های نوین در نهشته‌های ژوراسیک ناحیه لکان (چهارگوش گلیپگان)"، گزارش داخلی، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور (۱۳۶۳).

[6] Berthier F., Billiault J. P., Halbronn B., Maurizot P., "Field works in the frame of Khorramabad quadrangle map", Geological Survey of Iran (1992).

[۷] فرهادیان م. ب.، "بررسی ژئوشیمیایی و کانی‌شناسی کانسار تنگستن نظام‌آباد اراک"، پایان‌نامه دوره تخصصی اکتشاف معدن (معادل کارشناسی ارشد)، گروه مهندسی معدن، دانشگاه تهران (۱۳۷۰).

[۸] عزیزپور مغفوان م.، "ژئوشیمی، کانی‌شناسی و ژئواثرهای معدنی تنگستن اسکارنی بامسر و رگه‌ای روشت و مقایسه آنها با کانسار تنگستن نظام‌آباد (شازند اراک)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۸).

[۹] جهانگیری ج.، "گزارش بررسی آنومالی‌های تنگستن و قلع نظام‌آباد و بامسر"، گزارش داخلی، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور (۱۳۷۸).

[10] Longerich H. P., Jackson S. E., Günther D., "Laser ablation inductively coupled mass spectrometry transient signal data acquisition and analyte concentration calculation", Journal of Analytical Atomic Spectrometry 11 (1996) 899-904.

[11] Sun S. S., McDonough W. F., "Chemical and isotopic systematics of oceanic basalts: implications for mantle composition and processes. In Saunders A. D. and Norry M. J. (eds.) Magmatism in the ocean basins", Spec. Publ. Vol. Geol. Soc. Lond., No. 42 (1989) 313-345.

[12] Ghaderi M., Palin J. M., Campbell I. H., Sylvester P. J., "Rare earth element systematics in scheelite from hydrothermal gold deposits in the Kalgoorlie-Norseman region, Western Australia", Economic Geology 94 (1999) 423-437.

- [13] Sverjensky D. A., "*Europium redox equilibria in aqueous solution*", Earth and Planetary Science Letters 67 (1984) 70-78.
- [۱۴] شمعیان اصفهانی غ.ج.، "مطالعات ژئوشیمی، کانی‌شناسی و سیالات درگیر در معدن تنگستن نظام‌آباد، استان مرکزی-ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز (۱۳۷۳).
- [15] Giuliani G., Cheilletz A., Mechiche M., "*Behaviour of REE during thermal metamorphism and hydrothermal infiltration associated with skarn and vein type tungsten ore bodies in Central Morocco*", Chemical Geology 64 (1987) 279-294.
- [16] Mason B.H., Moore C. B., Principles of geochemistry. John-Wiley & Sons Ltd. (1982).
- [17] Bau M., "*Rare-earth element mobility during hydrothermal and metamorphic fluid-rock interaction and the significance of the oxidation state of europium*", Chemical Geology 93 (1991) 219-230.
- [۱۸] فردین دوست ز.، "ژئوشیمی ایزوتوپی و عناصر کمیاب ذخایر تنگستن (مس-قلع) جنوب‌غرب آستانه اراک"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۲).
- [19] Ivanova G. F., "*Geochemistry of tungsten, in Beus A. A. (ed.)*", Geology of tungsten. Project 26 "MAWAM" (1986) 11-43.
- [20] Evans A. M., "*Metallization associated with acid magmatism*", John-Wiley & Sons Ltd. (1982).